

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: مصمیم

شترت

سه‌شنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۴ • ۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ • ۹ سپتامبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۰۰ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۲ • اذان مغرب ۱۸:۲۸ • اذان صبح فردا ۴:۱۸ • طلوع آفتاب ۵:۴۳

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

هوش مصنوعی؛ فرصت بزرگ، آشفته‌گی بزرگ‌تر

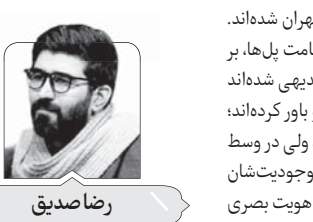
جهان امروز در میانه یک تحول تمدنی ایستاده است، تحولی که نام آن «هوش مصنوعی» است. هیچ فناوری نوظهوری در سده اخیر به اندازه هوش مصنوعی توان بازآفرینی اقتصاد، سیاست، فرهنگ و حتی هویت انسان را نداشته است. از آمریکا تا چین، از هند تا امارات، دولت‌ها و ملت‌ها به رقابت افتاده‌اند تا از این فرصت بی‌بیدل سهمی ببرند، اما در ایران، به‌رغم ظرفیت‌های علمی، جمعیتی و فناوریانه، تصویر روشن و امیدوارکننده‌ای دیده نمی‌شود. ما با پدیده‌ای مواجهیم که هم فرصت است و هم تهدید، و متأسفانه در فضای نهادهی و اجرایی کشور، آشفته‌گی و بی‌تصمیمی، فرصت را به تهدید بدل می‌کند. برای فهم بهتر، می‌توان وضعیت ایران را در سه لایه بررسی کرد: نهادهی، زیرساختی و اجتماعی- فرهنگی. لایه نخست، نهاده‌ها در چنبره سیاست است. پس از استقرار دولت چهاردهم، هوش مصنوعی به‌جای آنکه یک «موضوع ملی و علمی» باشد، به پرونده‌ای سیاسی تقلیل یافته است. معاونت علمی رئیس‌جمهور که باید موتور محرک توسعه باشد، امروز اسیر رقابت‌های درون‌دولتی است؛ سازمان برنامه‌بودجه، وزارت ارتباطات، شورای عالی فضای مجازی و حتی برخی نهادهای پژوهشی، هر یک می‌کوشند برچمدار این حوزه شوند. حاصل این نکتز بی‌قاعده، چیزی جز اتلاف منابع و سرگردانی بازیگران نیست. از همه تأسف‌بارتر آنکه معاونت علمی، با وجود داعیه راهبری، حتی یک تیم تخصصی قدرتمند در اختیار ندارد و گاه تصمیم‌گیری در چنین حوزه حساسی به روابط عمومی سپرده می‌شود. این وضعیت تداعی‌گر تجربه تلخ بسیاری از کشورهای در حال توسعه است که به دلیل فقدان مرجع واحد، سال‌ها از قافله جهانی عقب ماندند. در مقابل، نمونه‌های موفق پیش چشم ماست. چین و کره جنوبی با تشکیل نهادهای مقتدر و متخصص، از همان آغاز مسیر توسعه را هموار کردند. اگر ایران می‌خواهد سهمی در آینده داشته باشد، نخستین گام، پایان‌دادن به این هرج‌ومرج نهادی و ایجاد مرجع ملی مستقلی است که کار را از اسارت سیاست روزمره رها کند. پس از لایه نخست، وضعیت زیرساخت‌ها در کشور نیز چندان امیدوارکننده نیست. در حوزه زیرساخت‌های پردازشی، بی‌عملی مفرط حاکم بوده و هر نهاد یا دانشگاهی برای خود دست به خرید تجهیزات زده است، اما این پراکندگی منابع نته‌ها بهره‌وری را کاهش داده، بلکه موجب اتلاف سرمایه‌های ملی شده است. معاونت علمی که ذاتاً مسئول تأمین زیرساخت نیست، بخش قابل توجهی از بودجه خود را صرف خرید تجهیزات کرده و آن را به دانشگاه‌ها واگذار می‌کند، در حالی که این زیرساخت‌ها باید در خدمت صنعت و بازار قرار گیرد تا اثر واقعی توسعه

فناوری هوش مصنوعی نمایان شود. در حوزه پژوهش و توسعه فناوری نیز دانشگاه‌ها و مراکز علمی، به‌جای تمرکز بر پروژه‌های عمیق و مرزی که توان رقابت جهانی را داشته باشد، درگیر پروژه‌های سطحی یا دستیار وزرا شده‌اند و این سطحی‌نگری موجب کاهش کیفیت مقالات و رتبه علمی کشور حتی در سطح منطقه شده است. نمونه‌های موفق جهان نشان می‌دهند که تمرکز روی تحقیقات بنیادی، خوشه‌های دانشگاه-صنعت و برنامه‌ریزی دقیق زیر ساخت، ستون فقرات توسعه هوش مصنوعی است؛ همان‌طورکه هند و چین با چنین رویکردی توانستند گام‌های بلند در عرصه جهانی بردارند. ایران برای جبران عقب‌ماندگی نیازمند تدوین یک استراتژی ملی روشن است که در آن نقش دولت، دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان مشخص و هماهنگ باشد و تمرکز بر پژوهش، تجاری‌سازی و بهره‌برداری عملیاتی از فناوری‌ها باشد. فقط با این هم‌گرای است که می‌توان به توسعه علمی و زیرساختی هوش مصنوعی امید داشت و فرصت جهانی را از دست نداد. در لایه سوم، مسئله جامعه، فرهنگ و سرمایه انسانی است. حتی اگر نهاده‌ها سامان یابند و زیرساخت‌ها کامل شود، بدون پیوست اجتماعی و فرهنگی، توسعه هوش مصنوعی ناقص و ناآرام خواهد ماند. امروز ابزارهای هوش مصنوعی خارجی در کشور در حال گسترش‌اند، بدون اینکه آموزش، فرهنگ‌سازی یا چارچوب‌های اخلاقی و قانونی لازم فراهم شده باشد. تجربه شکست‌خورده پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که کم‌توجهی به پیوست اجتماعی، چند سال بعد تبعات سنگین فرهنگی، امنیتی و اقتصادی به‌همراه دارد. علاوه بر این، سرمایه انسانی کشور که ستون اصلی این حوزه است، در حال مهاجرت فزینگی و مجازی است و شرایط پرداختی و امکانات داخلی در شرکت‌ها و دانشگاه‌ها توان رقابت با فرصت‌های جهانی را ندارد. در نتیجه، استعداد‌های برتر یا کشور را ترک می‌کنند یا با حضور کم‌اثر در عرصه داخلی

یادداشت

فقدان زیبایی‌شناسی در تبلیغات شهری

برای چشمان تهران



رضا صادقی

سازه‌های تبلیغاتی، دیگر بخشی جداناپذیر از زیبایی‌شناسی کلان‌شهر تهران شده‌اند. بیلبوردها، استیشن‌بوردها، لایت‌باکس‌ها و پیکره‌هایی که در دل خیابان‌ها یا بر قامت پل‌ها، بر پشانی زیرگذرها و در کنار نقاشی‌های دیواری، حالا بدل به فیکورهایی طبیعی و بدیهی شده‌اند که رهگذران آنها را مانند فضای سبز که کارکردی برای زیبایی شهر دارد، قبول و باور کرده‌اند؛ سازه‌هایی بزرگ و مهیب که مانند سه‌پایه و استند‌های نقاشی در یک گالری‌اند، ولی در وسط شهر و میان روزمره شهروندان. این خوانش و نگاه به سازه‌های شهری، تعریف موجودیت‌شان را هویدا می‌کند؛ موجودیتی که علی‌الظاهر به نیت کارکرد درآمذنی است، اما در هویت بصری شهری، نمایش لحظه‌ای از تصویر مبهم در پس ذهن شهر است؛ ذهنی که قرار است سطح شعور و دریافت و میل و ساخت تقاضای شهر را در عرضه تبلیغات نمایش دهد؛ سازه‌هایی که قرار است سطح بروز خلاقیت و خیال جمعی یک شهر را در قامت نمایش‌اش شهروندانش نمایش دهد. حال این سازه‌ها در دست آژانس‌های تبلیغاتی و به نیت کارکردی ابتدایی‌شان، یعنی معرفی محصولات، طرحی اکران می‌کنند و در تنوع زمانی، مانند برج‌های زودگذر چشمان رهگذران را به خود می‌کشند و تبلیغ می‌کنند. سؤال اینجاست که در این فرایند چه قدر به فاکتور اشاره‌شده و هویت این سازه‌ها از سوی آژانس‌ها و طراحان‌شان دقت می‌شود؟ چقدر به این نکته توجه می‌شود که این سازه‌ها به دلیل تیدگی و آمیخته‌شدن‌شان با زیبایی‌شناسی کلان‌شهر تهران و امکان ظهور و بروز عین‌شان، دیگر تنها و فقط محملی تجاری نیستند، بلکه هر بار و در هر اکران طرح، مانند پیکره‌ای فیکوراتیو در میانه شهر، باید بتوانند پرفورمسنی داشته باشند که در کنار هدف تبلیغاتی، ارزش افزوده‌ای زیبایی‌شناختی نیز به شهر و ذهن شهروندانش اضافه کنند؟ نوعی زیبایی‌شناختی که در این بازتعریف، کارکردی بسیار مهم‌تر و ریشه‌ای‌تر در نهاد خلقی و روحی جامعه خواهد داشت، زیرا که این پیکره‌ها مانند برش‌هایی در میان لحظات واقعیت‌اند و به نسبت زیبایی‌شناسی عرضه‌شده، محلی برای لحظه‌ای رهاشدن از روزمرگی هستند؛ حتی اگر آن رهگذر توان خرید آن کالا را نیز نداشته باشد. از این منظر است که در طراحی یک تبلیغ و اکران گسترده‌اش به نیت اثرگذاری اگر به این نکته مهم توجه نشود، هم آن تبلیغ به هدفش نخواهد رسید و هم سازه‌ها کارکردشان را از دست خواهند داد، زیرا اگر آن طرح نتواند به زیبایی شهر کمک کند، برخورد رهگذر با پیکره سازه‌ها مانند برخورد پیکره سطل‌های فلزی زباله در کنار خیابان خواهد بود. به عبارت دیگر نگاه سهل‌انگارانه و صرفاًتبلیغاتی به سازه‌های شهری بدون درک این نکته



مسجد سید، یکی از شاخص‌ترین بناهای تاریخی دوره قاجار در محله پیدآباد اصفهان، این روزها با مشکلات جدی دست‌وپنجه نرم می‌کند. این مسجد که به دلیل معماری باشکوه کهنه‌ها، شبستان‌ها، ایوان‌ها و کاشی‌کاری‌های ارزشمندش شناخته می‌شود، به دلیل نبود رسیدگی مناسب در آستانه تخریب قرار گرفته است.

عکس:خدیجه نادری، مهر

طنزخوانی

تنهایی نمی‌شود

بودجه قطع کرد



آردین سیارسریع

بنده مدتی است از طرف دولت مأموریت پیدا کرده‌ام تا به وضعیت بودجه رسیدگی کنم و همچنین پیکری کتم سازمان‌هایی که بودجه می‌گیرند تا الان چه عملکردی داشته‌اند. از آنجایی که فرد بسیار ذی‌نفوذ و شناخته‌شده‌ای هستم، روز اول با لباس مبدل به یک سازمان فرهنگی رفتم، متأسفانه همان ابتدای امر، حراست مانع از ورودم شد و گفت طبق پروتکل، ورود با پیراهن هاوایی و شلوارک ممنوع است. حراست که این را گفتم صورتم را نزدیک سوراخ باجه کردم و گفتم: «بین پسر خوب! مجبورم نکن هویتم را لو بدهم که برایت گران تمام می‌شود». حراست گفت «هویت چیه؟». عینکم را برداشتم و نگاه نافذی بهش انداختم، گفتم: «خب؟». گفتم «شناختی؟». گفت «داداش کسی لباس مبدل می‌پوشه که خودشو همه بشناسن. تو رو مادرتم نمی‌شناسه». خیلی ناراحت شدم. اسم سازمان را یادداشت کردم برای قطعی بودجه. کت‌وشلوار یی تنم کردم و رفتم به سازمان بعدی. خوشبختانه حراست خواب بود و توانستم به‌راحتی وارد ساختمان شوم. روبه‌روی اتاق ریاست ایستادم و پیش خودم گفتم اقتدار، حلقه مفقوده رفتار تو را اینجا بوده. باید اقتدار داشته باشی تا بودجه‌خواهار حساب کار دست‌شان بیاید. بنابراین با لگدی محکم در اتاق را باز کردم و رفتم داخل. ترس و وحشت در چشمان رئیس مشهود بود. تا نشستم، با پاهایی لرزان بلند شد و گفت با اجازه‌تون من برم. گفتم: «کجا؟ بشین ببینم». رئیس گفت: «پس بذارید بپراون چایی بیارم». مانعش شدم و توصیه کردم این رفتارهای پوپولیستی را کنار بگذار. حدود سه ساعت و نیم به بحث و گفت‌وگو مشغول شدیم. خوشبختانه جلسه بسیار مفید از آب درآمد. رئیس خودش قبول کرد که سازمانش به اهدافی که مد نظر بود نرسیده و حتی قول داد که پولی که امسال گرفته‌اند را به خزانه دولت برگردانند. خوشحال از اولین دستاوردم در مأموریت جدید بلند شدم تا اتاق را ترک کنم که رئیس گفت: «فقط به چیزی قریبان». گفتم «چی؟». گفت: «من آبدارچی اینجام. رئیس رفتن ناهار». در خود فروبرختم. گفتم: «مرد حساسی چرا تا الان نگفتی؟». آبدارچی گفت: «آخه شما نمی‌داشتید من حرف بزنم». لعنتی بر بخت و اقبالم فرستادم و رفتم بیرون. بعد از سرکشی از سازمان دوم، ضمن تلنگری بر خود، گفتم قطع بودجه این سازمان‌های کوچک در شان تو نیست. شخصیت تأثیرگذاری چون تو نباید به قطع زیر ۳۰ همت راضی شود. سوار ماشین شدم و قاطعانه به راننده گفتم: «روشن کن. می‌رویم صداسیما». متأسفانه به دلیل فرسودگی ناوگان فرستاده ویژه دولت در امور بودجه، ماشین روشن نشد. به ناچار با تاکسی خطی خودم را به صداسیما رساندم. حراست کارم را پرسید. گفتم آندام برای تغییر. پرسید چه تغییری؟ گفتم کاهش بودجه. در کمال تعجب حراست استقبال خوبی از این قضیه کرد. با خوشرویی از من خواست بنشینم تا تماس بگیرد و هماهنگ کند. از اتاق رفتم بیرون تا قدمی بزنم. پنج دقیقه نگذشته بود که دیدم دودی سیاه از دوردست نمایان شده است. کمی که چشمانم را ریز کردم فهمیدم ۵۰ هزار کارمند صداسیما دارند به سمت من می‌دوند. رو کردم به حراست و گفتم خوشبختانه بعد از خبر کاهش بودجه یک شور عمومی در سازمان ایجاد شده. حراست گفت: «شور عمومی کجا بود؟ دارن میان شما رو پاره کنن». دو پا داشتم، دو پای دیگر نیز قرض کردم و حدود شش کیلومتر دودیدم تا بالاخره ۵۰ هزار کارمند گمم کردند. بعد از حدود دو ساعت، همچون یک قهرمان از لای شمشادها آمدم بیرون و خود را به دفترم رساندم. در دفتر به این فکر کردم که تنهایی نمی‌شود اوضاع بودجه را سروسامان داد، به کار جمعی نیاز است. لذا پیشنهاد دادم سازمانی به نام «سازمان کاهش بودجه سازمان‌های دیگر» تأسیس شود. بنا شد تا ۱۲،۱۰ همت هم بودجه به سازمان کاهش بودجه سازمان‌های دیگر اختصاص دهند تا از این به بعد با جدیت بتوانیم به این مسئله که مطالبه مردم عزیزمان هم هست ورود کنیم. ان‌شا‌الله. به امید آن روز.

به مهاجرت مجازی روی می‌آورند. کشورهایی که موفق بوده‌اند، دریافته‌اند توسعه هوش مصنوعی بدون تربیت و نگهداشت نیروی متخصص و نخبه، بدون توجه به قوانین و اخلاق کاربرد فناوری و بدون حضور فعال در دیپلماسی فناوریانه جهانی ممکن نیست. ایران برای آنکه از فرصت جهانی جا نماند، باید سرمایه انسانی را محور برنامه‌ریزی خود قرار دهد، آموزش عمومی و تخصصی هوش مصنوعی را گسترش دهد و زمینه حضور فعال در مجامع بین‌المللی و پروژه‌های مشترک را فراهم کند. فقط با این رویکرد می‌توان هم از فرصت هوش مصنوعی بهره برد و هم جامعه را از آسیب‌های احتمالی مصون داشت و به نسلی امیدوار و توانمند برای آینده فناوری دست یافت. راه برون‌رفت از وضعیت کنونی روشن است. نخست باید یک نهاد ملی مستقل و مقتدر ایجاد شود که راهبری حوزه هوش مصنوعی را بر عهده بگیرد و از هرگونه رقابت سیاسی و دست‌اندازی‌های درون‌دولتی مصون باشد. دوم، تدوین استراتژی منسجم برای زیرساخت‌ها و پژوهش ضروری است. دانشگاه‌ها، صنعت و شرکت‌های دانش‌بنیان باید هماهنگ عمل کنند و تمرکز خود را بر پروژه‌های مرزی و رقابتی قرار دهند تا کشور توان رقابت جهانی پیدا کند. سوم، سرمایه انسانی و پیوست اجتماعی باید محور سیاست‌گذاری قرار گیرد، فراهم‌کردن شرایط مادی و معنوی مناسب برای نگهداشت نخبگان، آموزش عمومی برای استفاده ایمن و مسئولانه از فناوری‌های هوش مصنوعی و مشارکت فعال در مجامع بین‌المللی از جمله گام‌های حیاتی است. فقط با اجرای هم‌زمان این سه رویکرد می‌توان از فرصت عظیم هوش مصنوعی بهره برد و از تبعات منفی ناشی از مدیریت نامنجم جلوییگری کرد.

جمع‌بندی: امید در دل بحران

اگرچه تصویر فعلی چندان امیدوارکننده نیست، اما فرصت همچنان زنده است. ایران دیر وارد میدان شده، اما هنوز دیر نشده است. ما نسلی جوان، جامعه‌ای پراثرزی و دانشگاه‌هایی پویا داریم. اگر دولت مسیر را از سیاست‌زدگی به عقلانیت علمی تغییر دهد و اگر مراکز علمی و شرکت‌ها از اسارت پروژه‌های سطحی رها شوند، می‌توانیم سهمی در آینده جهانی داشته باشیم. هوش مصنوعی فقط یک فناوری نیست؛ آینده‌ای است که کیفیت حکمرانی، توان نهادهی و بلوغ اجتماعی ما را نشان می‌دهد. انتخاب با ماست؛ یا همچنان در گرداب بی‌عملی و رقابت‌های درون‌دولتی دست‌وپا بزنیم، یا با شجاعت و خرد، آینده را بسازیم.

۲۷۰۷۷۶۱

محمد

مرکز رصد جمعیت کشور سازمان ثبت‌احوال بر اساس داده‌های پایگاه اطلاعات جمعیت کشور از سال ۱۲۹۷ تاکنون، نام محمد با دو میلیون و ۷۰۷ هزار و ۶۷۱ فراوانی، علی با دو میلیون و ۴۹۶ هزار و ۶۰۰ فراوانی و حسین با یک میلیون و ۸۸۲ هزار و ۱۴۵ فراوانی، برترکارترین نام‌های مرد در ایران به شمار می‌آیند. همچنین نام‌های مهدی، رضا، حسن، محمدرضا، علیرضا، احمد و امیرحسین به ترتیب بیشترین فراوانی را دارند.

۲۳۵ هزار

تعاونی

۲۳۵ هزار تعاونی در کشور به ثبت رسیده که از این تعداد ۱۰۵ هزار تعاونی فعالند و ۵۴ درصد از این تعاونی‌ها در بخش‌های تولیدی مشغول فعالیت هستند. همچنین ۵۴ درصد از تعاونی‌های کشور مربوط به حوزه تولیدی، ۱۵ درصد حوزه توزیعی و ۳۱ درصد در حوزه خدماتی هستند؛ فقط ۳۰ درصد از اعضا در تعاونی‌های تولیدی، ۵۱ درصد در تعاونی‌های توزیعی و ۱۹ درصد در تعاونی‌های خدماتی حضور دارند.

اتفاق‌خوانی

با فشار نیروهای در سایه نادره رضایی برکنار شد

سرانجام وزیر ارشاد تسلیم فشارهای نمایندگان و نیروهای سایه شد و معاون هنری خود را از کار برکنار کرد. در ساعات پایانی دیروز وزارت ارشاد در خبری اعلام کرد که نادره رضایی، معاون هنری، از کار برکنار شد و محمدمهدی احمدی، رئیس حوزه ریاست، به‌عنوان سرپرست معاونت هنری معرفی شد. این تصمیم که پس از فشارهای بی‌امان بر معاونت هنری اعلام شد، نشان از آن دارد که وزیر ارشاد نتوانسته در مقابل نمایندگان مجلس مقاومت کند و تصمیم گرفت تا خواسته ۱۷۰ نماینده مجلس و همچنین نیروهای سایه را برآورده کند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حکم برکناری معاون هنری خود، ضمن تقدیر از تلاش‌های شبانه‌روزی نادره رضایی به‌عنوان معاون امور هنری وزیر، در حکمی محمدمهدی احمدی را با حضور هیئت سبمت، به‌عنوان سرپرست جدید این معاونت منصوب کرد. وزیر فرهنگ در حکم خود، از تلاش‌های فراوان نادره رضایی در مدت‌زمان مسئولیت تشکر و تأکید کرد که فرایندهای آغازشده در معاونت امور هنری در طول ماه‌های گذشته، با دقت از سوی سرپرست این معاونت ادامه پیدا می‌کند. آرزوی محالی که وزیر ارشاد در این نامه بیان کرده است، با توجه به مشغله‌های متعدد محمدمهدی احمدی، به‌عنوان مشاور وزیر که به‌عنوان بازنشسته دوباره به کار مشغول شده، بعید به نظر می‌رسد. نادره رضایی در مدت کوتاه معاونت هنری خود، فعالیت‌های متعددی را پیگیری کرد اما به نظر می‌رسد لغو کنسرت همایون شجریان ضربه آخر را بر او و ادامه فعالیتش در وزارت فرهنگ وارد کرد. نادره رضایی در این مدت با فشارهای زیادی از سوی نیروهای در سایه و نمایندگان مجلس روبه‌رو بود. اوج مخالفت با او زمانی بود که سیدعباس صالحی ۷ مرداد در مجلس از نمایندگان کارت زرد گرفت و یکی از دلایل این کارت زرد به خاطر انتصاب معاون هنری بود. پس از آن و حدود چند روز پیش نیز ۱۷۰ نماینده نامه‌ای نوشتند و درخواست برکناری نادره رضایی را به طور خاص مطرح کردند. در متن این نامه آمده بود: «متأسفانه در بین معاونان جناب‌عالی برخی افراد سکان‌دار هدایت مجمع‌های فرهنگی و هنری شده‌اند که اقدامات آنان باعث جرعه‌دار شدن عواطف دلسوزان اهل هنر با سلیقه‌های سیاسی متفاوت شده است». در بخش دیگری از این نامه آمده است: «نبود برخورد بازدارنده از سوی شما باعث شده است که این افراد با اقدامات مخرب خود که باعث برهم‌زدندگی ساختار فرهنگی- هنری و وفاق ملی است، جرئ‌تر شوند که از شاخصان این افراد خانم نادره رضایی معاون هنری وزارت ارشاد است». در این مدت نیروهای سایه نیز تلاش‌های بسیاری برای فشار بر معاونت هنری انجام داده‌اند، از انتشار فیش حقوقی او درحالی‌که تعداد افراد مشخصی به آن دسترسی دارند، فشار برای عدم برگزاری کنسرت کوچک و انتشار اخبار کذب درباره مخارج تعمیر دفتر کارش که هنوز شروع نشده بود. به‌این‌ترتیب فعالیت‌های متعدد هنری نادره رضایی در دولت وفاق به‌سرعت و با فشارهای متعدد به پایان رسید. وزیر ارشاد با حذف و برکناری معاون هنری خود تلاش کرد تا از گردنه استیضاح عبور کند.

خبرخوانی

شب‌سرخ ایران‌وجهان

دیشب میلیون‌ها نفر در نقاط مختلف جهان شاهد پدیده‌ای نادر بودند؛ خسوف کامل که ماه را به رنگ سرخ تیره درآورد و به آن لقب «ماه خونین» دادند و بعضی‌ها آن را به هلو تشبیه کردند و بعضی دیگر ماه آتشین. این رویداد از استرالیا، آسیا، خاورمیانه تا اروپای غربی قابل مشاهده بود و آسمان شهرهایی چون لندن، آتن، توکیو و یکن را درگیر کرد. در ایران در ارتفاعات همچون بام تهران و پل طبیعت، تلسکوپ‌هایی گذاشته شده بود و صف مردم علاقه‌مند برای دیدن ماه از مدت‌ها قبل از خسوف ماه تشکیل شده بود. عکس‌های بسیار زیبایی از این اتفاق در ایران و سراسر جهان منتشر شده است. حالا اگر کسی دیشب فرصت تماشای این رخداد را از دست داده است، کمتر از یک سال می‌تواند صبر کند تا دوباره این فرصت را به دست بیاورد. بر اساس اعلام موزه‌های سلطنتی بریتنچ، خسوف جزئی بعدی در تاریخ ۲۸ اگوست ۲۰۲۶ رخ خواهد داد. با این حال، یک خسوف کامل دست‌کم هر دو تا سه سال یک بار رخ می‌دهد و علاقه‌مندان اسان باید برای دیدن ماه دوباره در جامه سرخ، صبور باشند.